

## ماده ۳۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و سرنوشت طرح‌های عمرانی



● مهندس سهراب مشهودی

عضو و نماینده انجمن مدیران فنی و اجرایی در کمیته نظام فنی و اجرایی نهاد تعامل تشکل‌های مهندسی

راه‌ها، راه‌آهن و دیگر طرح‌های زیربنایی. دولت‌های نهم و دهم که هم‌زمان دو برنامه سنگین را آغاز نموده بودند؛ یعنی ساخت حدود دو میلیون مسکن مهر و پرداخت یارانه نقدی، امید داشتند که حداقل هزینه هدف دوم را از محل درآمد ناشی از گران کردن حامل‌های انرژی (تا حد قیمت‌های واقعی و جهانی) حاصل کنند ولی با محاصره اقتصادی و کاهش ارزش ریال، دوباره قیمت حامل‌های انرژی، به حدود یک چهارم قیمت‌های جهانی سقوط کرد و در نتیجه معادل ارزش حامل‌های جهانی نشد، به همین دلیل، منابع مالی یارانه‌ها نیز که مقرر بود از همین محل تأمین شود، محقق نگردید. در حالی که پرداخت یارانه‌ها هم چنان روی دست دولت باقی ماند. علاوه بر این دو تعهد سنگین، دولت تعداد طرح‌های عمرانی را نیز به چند برابر افزایش داد و به این ترتیب به تعهدات خود در قبال پیمان‌کاران و مهندسان مشاور، با وجود تذکره‌های متعدد و فراوان اقتصاددان‌ها و

در شرایط حاضر نهاد تعامل تشکل‌های مهندسی با دولت، در کمیته‌ای با همکاری سازمان برنامه و بودجه، در حال تدوین آیین‌نامه ماده ۳۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور است که به دلایلی که در این نوشتار ذکر شده است، می‌تواند به شدت به هزینه‌های زندگی، تولید و خدمات کشور بیافزاید. از این رو ضرورت دارد که از دایمی شدن این حکم به طرق لازم جلوگیری شود و اصلاحات لازم در آن اعمال گردد.

طرح‌های عمرانی کشور به طرح‌هایی گفته می‌شود که عمدتاً در راستای دو هدف کلی، تهیه و اجراء می‌شوند:

یک- طرح‌هایی که خدمات موظف دولت، برای رفاه ملت را محقق می‌سازند. مثل ساخت مدارس، درمانگاه‌ها و موارد مشابه، به ویژه در روستاها، شهرهای کوچک و بخش‌های فقیرنشین دیگر شهرها.

دو- طرح‌هایی که زیربنای توسعه و عمران کشور هستند، مثل ساخت سدها،



مدیران فنی و اجرایی، به شدت افزود.

بنابراین بدیهی بود که نتواند از پس تعهدات این وظیفه سنگین برآید. در نتیجه از یک سو با عدم پرداخت‌های ضروری در مقاطع لازم، به ورشکسته شدن تعداد زیادی از مهندسان

بدیهی است، بخش خصوصی پس از تمام این طرح‌ها، می‌بایستی بتواند هزینه‌ها و سود متناسب آن را از راه‌هایی به دست آورد که به احتمال قوی، این امر از طریق فروش خدمات همین طرح‌ها، مثل عوارض راه‌ها در مورد

خطر بزرگ دیگر این است که دولت از متن قانون فوق، از "دولت می‌تواند ولی می‌باید..."، فقط از عبارت "دولت می‌تواند" بهره‌برد و برای ابد خود را از هزینه‌های عمرانی که شاید تنها هزینه مفید کشور

**ماده ۲۲-** دولت موظف است به منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با رعایت قانون نحوه اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی اقدامات زیر را به اجرا درآورد:  
الف - سازمان برنامه و بودجه کشور موظف است با لحاظ موارد زیر طرف مدت یکسال از تاریخ ابلاغ این قانون «سند نظام فنی و اجرایی کشور» را تهیه و اجراء کند. ضوابط و مقررات ساخت و ساز در چهارچوب این نظام ابلاغ می‌شود:  
۱. نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور شامل عوامل، اصول، برنامه‌ها و فرآیندها و اسناد (مقررات، ضوابط و دستورالعمل‌ها) مربوط به مدیریت، پدیدآوری و بهره‌برداری طرح‌های سرمایه‌گذاری و پروژه‌های ساخت و ساز باشد.  
۲. قواعد اساسی حاکم بر کارفرمایان، مجریان، پیمانکاران، مشاوران، سازندگان و تأمین‌کنندگان همه طرح‌ها و پروژه‌هایی که از وجوه عمومی کشور استفاده می‌کنند، در این سند لحاظ شود.  
۳. ویژگی‌های بخشها، دستگاه‌های اجرایی و تشکلهای صنفی مرتبط بخش خصوصی پیش‌بینی‌شده و به‌صورت مستمر بهبود یابد.  
ب - روش‌های اجرایی مناسب «مشارکت بخش عمومی - خصوصی» از قبیل «تأمین منابع مالی، ساخت، بهره‌برداری و واگذاری»، «تأمین منابع مالی، ساخت و بهره‌برداری»، «طرح و ساخت کلید در دست» و یا «ساخت، بهره‌برداری و مالکیت» را با پیش‌بینی تضمین‌های کافی و تدابیر بودجه‌ای به‌کارگیرد.  
پ - سازوکار تأمین مالی طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای بزرگ و متوسط از طریق گشایش اعتبارات اسنادی ربالی و ارزی نزد بانک‌های داخلی و خارجی همراه با پیش‌بینی ابزارهای مالی تضمینی را به تدریج به‌گونه‌ای پیاده کند که رابطه تأمین منابع مالی و اجرای طرح‌های فوق با نوسانات بودجه سالانه کاهش یابد.  
**تبصره -** آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مدت شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه کشور به‌عنوان متولی نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

مشاور و پیمان‌کاران منجر شد و هم چنین بسیاری از طرح‌ها نیز نیمه‌کاره ماند.

این مباحث و برخی ناکارآمدی‌ها و فسادهای تهیه و اجرای این طرح‌ها، به ویژه ضرورت تعیین راه‌حلی برای اتمام طرح‌های نیمه‌کاره، موجب شد که ماده ۳۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، به شرح فوق تدوین گردد:

در نگاه اول با تحقق این ماده قانونی، به نظر می‌رسد که تمام مشکلات حل خواهد شد:

**اول -** دولت از تأمین هزینه‌های این طرح‌ها خلاص می‌شود.

**دوم -** این طرح‌ها به اتمام می‌رسند.

**سوم -** ناکارآمدی‌ها و فسادهای اجرای این طرح‌ها نیز با انجام آن‌ها با سرمایه و مدیریت بخش خصوصی، حل خواهد شد.

تکمیل راه‌های کشور و یا بلیت آمد و شد در مورد ساخت متروها و غیره، امکان‌پذیر می‌شود.

اما باید دید هزینه‌های بهره‌وری از این روش برای مردم چیست؟

**یک -** انجام برخی از طرح‌ها مثل ساخت مراکز درمانی و مدارس، برای گروه‌های کم‌درآمد، بدون متقاضی می‌ماند و انجامشان ناممکن می‌شود.

**دو -** در مورد دیگر طرح‌هایی که فروش خدمات آن‌ها ممکن است، مثل عوارض آمد و شد در راه‌ها (که در شرایط حاضر فقط برای نگهداری بزرگراه‌ها اخذ می‌شود) موجب چند برابر شدن عوارض می‌گردد و عملاً هزینه‌های را که پیش از این دولت تأمین می‌کرد، به گردن مردم می‌افتد و در عین حال نیز موجب افزایش هزینه‌های زندگی و هزینه‌های تولید و تأمین خدمات می‌گردد.

باشند، خلاص نماید.

از این رو پیشنهاد می‌شود:

**یک -** این قانون از قوانین دائمی برنامه حذف و فقط برای طرح‌های نیمه‌تمام فعلی اعمال شود.

**دو -** در مورد طرح‌های بی‌بازده مستقیم اقتصادی، دولت خودش هم‌زمان این نوع طرح‌ها را به انجام برساند.

**سه -** در مورد طرح‌هایی که می‌توانند درآمدزایی داشته باشند، دولت برای عدم افزایش غیرقابل‌تحملی که به زندگی و تولید وارد می‌شود، بخشی از هزینه‌ها را بر عهده بگیرد. به عنوان مثال، دولت تقبل نماید از عوارضی که برای استفاده از بزرگراه‌ها وضع می‌شود، درصدی را بپردازد.

